

بررسی مفاهیم نهفته در معماری بدنه‌های تاریخی در ساخت بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی کلانشهرهای ایران (مطالعه موردی: شهرهای تهران، اصفهان و شیراز)

مهندس پیمان بهرامی فر*، دکتر وحید قبادیان**، دکتر مهناز محمودی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰

مکیده

ساخت‌وسازهای جدید در بافت تاریخی قبل از آنکه صرفاً یک بنای معماری باشد، به‌عنوان بخشی از شهر معرفی می‌شوند که باید برای حفظ انسجام و تداوم با بخش‌های تاریخی پیرامون از قواعد و ضوابط خاصی پیروی کند. هدف پژوهش بررسی چارچوب طراحی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی و نحوه ساخت‌وساز آن می‌باشد؛ بنابراین با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در جهت رسیدن به اهداف پژوهش اطلاعات گردآوری و از طریق کیفی مورد تجزیه قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد که چارچوب پیشنهادی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی ثابت نیستند. بدین منظور ارزش‌های معنایی متعدد، به‌صورت عینی (مفاهیم موجود در کالبد) و ذهنی (مفاهیم موجود در ذهن) در کالبد بدنه‌های تاریخی قابل ادراک بودند. مدل پیشنهادی این پژوهش پس از تحلیل و ارزیابی شاخص‌ها در کلان‌شهرهای مرکزی ایران (تهران، اصفهان، شیراز) نشان‌دهنده کشف راهکارهایی است که معماران آن‌ها در مراحل خلق اثر به کار می‌بستند.

واژه‌های کلیدی

بافت تاریخی، بدنه‌های تاریخی، بناهای میان‌افزا، معنا.

* دانشجوی دکتری تخصصی، گروه هنر و معماری، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی. Email: peymannilli@yahoo.com
 ** استاد، گروه هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی (مسئول مکاتبات). Email: Vah.Qobadiyan@iauctb.ac.ir
 *** دانشیار، گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

مورد توجه است. با این وجود آنچه در این حوزه اهمیت دارد، ارائه ساختاری جدید است که با توجه به واژگان معماری قرن ۲۱ میلادی شکل گرفته است (Worthington, 1998, 179). از آنجا که افزودن ساختارهای جدید بر ویژگی‌های کالبدی و غیرکالبدی زمینه، به ویژه در بافت تاریخی اثرگذار است، الزام وجود چندین حوزه مطالعاتی برای تضمین کیفیت نهایی طرح از ابعاد مختلف وجود دارد. هدف از این پژوهش بررسی این است که چگونه طراحی خوب در محیط‌های تاریخی به دست می‌آید. البته یک پاسخ یا رویکرد صحیح وجود ندارد، اما روش‌های تفکر و کار وجود دارد که احتمال موفقیت را افزایش می‌دهد. واضح است که مهارت طراح در قلب این مسئله است بنابراین هدف ما تعیین روشی برای طراحی است که به تجزیه روند طراحی در یک سری مراحل شامل بررسی، تجزیه و تحلیل و کمک به طراحی راه‌حل‌های مناسب برای بافت‌های تاریخی خاص در نظر گرفته شده است. نتیجه مطلوب، طراحی با کیفیت بالای ساختمان‌ها و فضاهای جدید در محیط‌های تاریخی است. هدف اصلی این پژوهش این است که محیط تاریخی منبعی است که باید از آن محافظت شود اما می‌تواند ارزش فرهنگی و اقتصادی را به طراحی جدیدی که در آن قرار دارد اضافه کند. به همان اندازه معرفی یک ساختمان جدید موفق، فضای تاریخی را ارتقا می‌بخشد، به عنوان یک ارزش افزوده برای نسل‌های فعلی و آینده تبدیل می‌شود و به حس مکان کمک می‌کند. برای تهیه این پژوهش ما از متخصصین معماری، طراحی شهری، برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی کمک گرفته‌ایم تا تحلیل و بررسی موفق‌تری ارائه دهیم و یک روش پیشنهادی برای بررسی طرح‌های جدید در بافت‌های تاریخی ارائه دهیم. هم‌چنین این پژوهش در پی بدست آوردن نتایج حاصل از توسعه و طراحی میان‌افزا بناها در بافت‌های فرسوده جهت بهره‌گیری بهتر از ظرفیتهای درون شهر. می‌باشد. با تغییرات جزئی و یا تغییرات در بعضی از بافت‌های فرسوده آن‌ها را قابل استفاده و مفید نماید تا با وضع کنونی شهرها مخصوصاً شهرهای نامبرده که با کمبود مکان می‌باشد کمکی کرده باشند با بروز کردن و تغییرات جزئی در بعضی ساختمان کهن و فرسوده و متروکه می‌توان آن‌ها را مورد استفاده بهینه قرار داد (شکل ۱).

مبانی نظری پژوهش

«بناهای میان‌افزا» بناهای جدیدی هستند که در درون بافت و در میان سایر بناهای تاریخی موجود ساخته می‌شوند. از آنجاکه بناهای میان‌افزا به لحاظ دوره زمانی، هم‌دوره سایر بناهای پیرامون نیستند لذا در بیشتر موارد ممکن است ویژگی‌های کالبدی، فضایی و معماری متفاوتی را نسبت به بناهای پیرامونی بیابند (قدیری و

آثار تاریخی هر سرزمین در حکم شناسنامه فرهنگی اسناد هویت آن سرزمین هستند (پیرنیا، ۱۳۷۸، ۳۹۱). بافت فرسوده، مانند تمامی بخش‌های شهر، به مثابه یک اندام واره زنده است که همواره بخشی از آن در اثر عملکرد عوامل مخل طبیعی عوامل مخل انسانی در طی زمان دچار فرسودگی و تخریب می‌شود (قدیری و آراسته، ۱۳۸۵، ۱۲). مداخله صحیح و مؤثر در احیای بافت‌های فرسوده شهری مستلزم شناخت فرآیند تحولات ساختی و هدایت مؤثر نیروهای کارا در این فرآیند تغییر در زمان و شرایط مناسب است به عبارت دیگر اجرای سیاست‌های توسعه فیزیکی شهرها چنانچه متناسب با نیازهای روز صورت نگیرد فرصت احیای بافت‌های شهری از بین خواهد برد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ۳۶). افزودن ساختارهای معاصر در یک محیط تاریخی موضوع جدیدی نیست، ولی پیشنهاد آن به عنوان روشی برای توسعه کارآمد شهری، در قرن ۲۰ میلادی مطرح و در آن بر الزام استفاده حداکثری از امکانات موجود داخل بافت شهری تأکید شده است (قره بگلو و همکاران، ۱۳۹۸). معماری میان‌افزا را باید حاصل نگرش توسعه درون‌زای شهری دانست که با هدف ارائه راه حل برای مشکلات برخاسته از رشد پراکنده و بی‌رویه شهرها پیشنهاد شد. توسعه میان‌افزای شهری در ۱۹۷۶ میلادی در کنفرانس هبیتات دوم، مطرح و در ۱۹۷۹ میلادی توسط انجمن املاک و مستغلات آمریکا رسماً تعریف شد (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۳). این نوع از توسعه با استفاده از قطعات خالی زمین در بافت شهری و زمین حاصل از تخریب ساختمان‌های موجود، که امروزه بهره‌وری قابل قبولی ندارند، با هدف ممانعت از رشد شهر به سمت فضاهای باز و زمین‌های زراعی اطراف ارائه شده است (Britain, 2005, 172). این تعریف تا اواخر قرن ۲۰ میلادی غنی شد، ولی محدوده آن از تأکید بر افزایش تراکم و باز زنده سازی بافت شهری فراتر نرفت (Farris, 2001, 118; Haughey, 2001, 22; Robinson & Cole, 2001, 89). بکارگیری مفهوم توسعه میان‌افزا بدون در نظر داشتن زمینه و بستر شکل‌گیری آن منجر به نوعی تقلید صرف و بدون مایه خواهد شد که می‌تواند تحقق هدف را مختل و یا حتی اثرات سوء به همراه داشته باشد. به گفته کیب (۲۰۰۵)، محلات فشرده با کاربری‌های مختلط، میزان دسترسی به امکانات و خدمات شهری را برای ساکنان افزوده و در نتیجه عدالت اجتماعی را افزایش می‌دهند. میان‌افزایی داخل فضای قابل استفاده بافت شهری، بافت‌های تاریخی را به عنوان یکی از محیط‌های قابل استفاده مطرح می‌کند. این بافت که به دلیل جنبه‌های کالبدی و غیرکالبدی آن اهمیتی دوچندان دارد، نیازمند حساسیت بیشتر است. بنابراین بیشتر در حوزه حفاظت-مرمت



شکل ۱. فضای زیر کنبد ساختمان رایشتاک اثر نورمن فاستر (Archdaily, 2019)
 Figure 1. The Space Under the Dome of Reichstag Building by Norman Foster (Source: Archdaily, 2019)

تصویر یک شهر یا منطقه است که ساختمان‌های برجسته و تأثیر آن‌ها در برندسازی شهر سهم زیادی دارد (Riza & Doratli, 2011, 57). با مداخلات معماران در کشورهای مختلف، از طرح‌های جدید در زمینه‌های تاریخی به‌عنوان مارک تجاری شهر و بازاریابی مکانی استفاده می‌شود. موارد اضافی همیشه نوع متداولی برای مداخله در بناهای میراثی بوده است که دیگر فضاهای موردنیاز فعلی را برآورده نمی‌کند (Torres, 2009, 78). با این حال، باید مداخلات را در حداقل سطح قرار داد تا به اصالت بنا و میراث آن آسیب نرساند. اضافه شدن جدید به یک ساختمان میراثی شامل مشکل ایجاد رابطه مناسب بین زبان معماری سنتی و معاصر است (Yüceer & İpekoğlu, 2009, 161). این افزودنی می‌تواند به تبدیل یک ساختمان میراثی بلااستفاده یا متروکه به یک بنای تاریخی مهم کمک کند که به‌عنوان مارک تجاری شهر عمل می‌کند. بازسازی یک چالش شایسته است؛ زیرا وجود لایه‌های مختلف تاریخی بر روی یکدیگر ساختمان را از نظر هویت منحصر به فرد می‌کند (Misirlisoy, 2016, 106). دادن زندگی جدید به ساختمان‌های قدیمی یک چالش شایسته است (Schittich, 2003, 221). زیرا تبدیل ساختمان‌های میراثی به بناهای برجسته مهم با اضافه شدن لازم ممکن است به هویت شهر کمک کند. با این حال، مداخلات اعمال شده باید از نظر اصول حفاظت

آراسته، ۱۳۸۵، ۷۴). بیشتر ساختمان‌ها در طول عمر خود تغییر کاربری می‌دهند. این امر لزوماً تغییراتی در چیدمان داخلی و بافت ساختمان قدیمی خواهد داشت. با این حال، مناسب بودن کاربرد جدید برای پارچه ساختمان و یکپارچگی آن باید موردتوجه قرار گیرد (Orbasli, 2008, 32). مداخلات اعمال شده به‌جای مخالفت با ساختمان موجود باید کار کنند. در مواردی که نیاز به اضافه شدن جدید است، باید از مواد مناسب استفاده شود. افزودنی جدید را می‌توان در یک هماهنگی یا در تضاد با موجود طراحی کرد و بسته به طراح رویکرد مشخص می‌شود (Latham, 2016, 126). همان‌طور که شیتیتج (۲۰۰۳) اظهار داشت: «کار با بافت داده شده که محدودیت‌های لازم را به طراح تحمیل می‌کند، یکی از کارهای خلاقانه و جذاب در معماری است.» به‌عنوان یک دلیل ساده، تبدیل فرایند ارزان‌تر و پیچیده‌تری نسبت به ساخت یک ساختمان جدید است. از طرف دیگر، علاقه جدید به استفاده مجدد تطبیقی باعث می‌شود ساختمان‌های ناشناخته با اضافه شدن معاصر به مکان‌های برجسته تبدیل شوند (Powell, 1999, 270). شهرها، به‌ویژه شهرهای اروپا، از مفهوم و تکنیک‌های مارک تجاری شهری به‌عنوان یک استراتژی برای بازاریابی مکانی استفاده می‌کنند (Kavaratzis & Ashworth, 2006, 168). رضایت مردم محلی و گردشگران به‌شدت تحت تأثیر

در نظر گرفته شود. قدیم و جدید می‌توانند متضاد یا هماهنگ باشند؛ اما در هر حالت باید اضافه‌های جدید را از موارد قبلی با هویت متفاوت جدا کرد تا تفاوت بین قدیم و جدید را مشاهده کرد. رابطه بین بناهای تاریخی با الحاقات آن قدر مهم است که پسوندهای جدید باید از نظر انتخاب مواد، جزئیات اتصال و سیستم سازه مناسب باشند. اضافه‌های جدید باید از موارد قدیمی جدا شود که می‌تواند هر زمان بدون تخریب ساختمان اصلی حذف شود (Misirlisoy, 2016, 112). حفظ کیفیت ساختمان میراث و احترام به ساختمان موجود از نظر مفهوم حفاظت معاصر بسیار مهم است. اگرچه استاندارد و منشورهای حفاظت بین‌المللی وجود دارد که اصول مداخلات را در زمینه‌های تاریخی معرفی می‌کند، اما برخی کشورها از آن‌ها پیروی نمی‌کنند. مقامات محلی برای ارتقا منطقه و شهر به موارد اضافی جدیدی که توسط معماران طراحی شده‌اند و می‌توانند برای بافت تاریخی نامناسب باشند اجازه می‌دهند. در این مقاله موفقیت طرح‌های اضافی انتخاب شده در بافت تاریخی توسط معماران از طریق استاندارد و منشور حفاظت بین‌المللی مورد سال قرار می‌گیرد. مطالعات موردی منتخب از نظر اصول حفاظتی که در استانداردها و منشورهای ذکر شده تعریف شده است، مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفته است (جدول ۱).

حفظ کیفیت بناهای میراثی و احترام گذاشتن به موجود در طراحی علاوه بر این مهم است (Misirlisoy, 2016, 108). افزودن‌ها به بناهای میراثی یکی از مهم‌ترین موارد در حفاظت از معماری است؛ زیرا بحث‌های زیادی در مورد رویکرد مناسب اضافه‌های جدید در بافت

تاریخی وجود دارد (Torres, 2009, 80). با افزودن جدید باید مواد، ویژگی‌ها و شخصیت تاریخی قابل توجهی حفظ شود (Grimmer & Week., 2010, 132). طراحی اضافی می‌تواند پیچیده‌تر از یک طرح جدید باشد؛ زیرا ساختار موجود محدودیت‌های طراحی را برای کار ایجاد می‌کند. همچنین مشکلاتی از جمله برنامه‌ریزی، مسائل قانونی و ساختاری وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. گردش، دسترسی، یکپارچگی ساختاری و انتخاب مواد نیز باید در نظر گرفته شود. تعریف خصوصیات جهانی یک افزودنی مناسب دشوار است؛ زیرا با توجه به ساختار موجود متفاوت است. به‌سادگی، یک افزودنی مناسب باید ساختمان موجود را احیا و غنی کند. این باید به‌عنوان بخشی از کل ترکیب به‌جای یک پروژه واحد متصل به ساختمان موجود کار کند (Mornement, 2007, 228). انواع مختلفی نیز در محل افزودن جدید به کل ترکیب وجود دارد. در معمول‌ترین موارد، اضافه‌های در کنار ساختمان‌های قبلی قرار می‌گیرند یا گاهی در بالای آن‌ها قرار می‌گیرند (Byard, 1998, 147). قبل از طرح الحاق جدید، مقادیر میراث ساختمان موجود باید به‌وضوح بررسی و شناسایی شود. به‌جای پیشنهاد یک فرم برای بنای میراثی، یک الحاق جدید باید حس تناسب، وضع و الگوی تاریخی را تکمیل و کمک کند. درحالی‌که این استانداردها اضافه‌شدن تضاد در شخصیت را الزامی نمی‌دانند یا الزام آن‌ها به سبک معاصر است، اما نیاز به «تفاوت» در ساخت جدید است بدون تعیین اینکه چگونه، توسط چه کسی یا به چه درجه و «سازگار است» بدون ارائه معیارهایی برای دستیابی به یک رابطه

جدول ۱. مبانی و معیارهای طراحی میان افزا

Table 1. Fundamentals and Criteria of Intermediate Scheme

دسته‌بندی	نام کلی	انواع
در مقیاس بافت	توجه به واژگان و دستور زبان ساخت شهر تاریخی	نظام آمودشد و سلسله‌مراتب دسترسی از فضاها و گذرها اصلی تا دانه‌های عمومی و مسکونی در مقیاس شهری و مسکونی/ نظام پر و خالی و رعایت آن در مقیاس مکان/ نظام دانه‌بندی تا تفکیک و تقسیم زمین در بافت‌های تاریخی/ نظام تراکم، مونوارتفاع و خط آسمان/ ساماندهی امکانات رفاهی و تأسیسات زیربنای شهری در بافت تاریخی/ نظام بلوک‌بندی بافت/ حریم‌گذاری بخش‌های ارزشمند بافت، مونومان‌ها و تک بناهای بارزش/ مستندسازی و مستندنگاری و ثبت دقیق وضع موجود و تغییرات ناشی از مداخلات/ اقدام به تخریب بناهای متروکه و یا نیمه مخروبه/ مطالعات تاریخی، جمع‌آوری اطلاعات گذشته، پرس‌وجوهای محلی و مطالعات علمی، فنی و باستان‌شناسی معماری و شهری/ طرح‌های فرادست و ضوابط مصوب در قالب عناوین مختلف/ کاربری و عملکرد
در مقیاس تک بنا	توجه به واژگان و دستور زبان ساخت بناهای تاریخی	سازمان فضایی و سلسله‌مراتب دسترسی/ خط آسمان، تراکم و ارتفاع/ پیوستگی یا گسستگی کالبدی با بناهای مجاور/ ویژگی‌های وابسته به فرم بناها/ ترکیب پر و خالی‌ها/ مصالح و سیستم ساختمانی/ عناصر و سیستم‌های تأسیساتی/ عناصر منظر ساز/ رعایت حرایم/ مالکیت
در مقیاس معماری شهری	معماری نماها و بدنه‌های بیرونی بناهای میان افزا	ورودی‌ها/ خط آسمان/ رخ بام/ ازاره/ هندسه، تقسیمات، قاب‌بندی‌ها و خطوط ناظم/ هندسه، ابعاد، تناسبات و میزان تکرار روزنه‌ها و بازشوها/ الگوهای فضایی نمایان در بدنه‌های بیرونی/ جزئیات مربوط به اندودها و مصالح پایانی/ ظرایف، آرایه‌ها و تزئینات معماری/ مبلمان و عناصر ملحق به بدنه‌ها

گردید (هر سطح ارزش با ۵ شاخص مرتبط با آن). بر همین اساس سطوح ارزشی عبارت‌اند از:

سطح ارزش آنی - ابتدایی

تعادل: اجزا نما در بدنه خود را با دیگری که در مجاورتش قرار دارد، سازگار نموده و تطبیق داده بدین ترتیب، اجزا در بسته‌شدن به هم تعدیل می‌یابند و به تعادل می‌رسند (آیت‌الله زاده شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۴). تناسب: در طراحی یک نما نسبت اندازه اجزا به هم و نسبت اندازه آن‌ها به تمام‌نما به‌مثابه یک کل کوچک اهمیت دارد. در مجموعه نماها (کل بزرگ‌تر)، سلسله ارتباطات میان اجزاء یک بدنه با هم و همچنین بسیاری عناصر دیگر که ناظر را احاطه کرده‌اند اهمیت می‌یابند (توسلی و پارسی، ۱۳۷۹، ۳۸). اتصال (همبستگی و پیوند): اجزا بدنه در وجود و مراتب خود خصلتی متصل و پیوسته دارند که در هر نما به شیوه‌ای حضور می‌یابند. نماهای شهری در جستجوی پیوند با یکدیگر هستند «هر نما در پی وصل به دیگر نماهاست» (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۶، ۵۲). ریتم: تکرار منظم یا هماهنگ عناصر مشابه، خطوط، اشکال، فرم‌ها یا رنگ‌ها در کنار هم گفته می‌شود که باعث القای احساس حرکت شده و به‌عنوان تدبیری برای سازمان‌دهی فرم‌ها در بدنه‌ها محسوب می‌شود (Mornement, 2007, 231). نظم: در بدنه‌های تاریخی می‌توان نظم را از طریق تکرار عاملی مفروض در تک نماها دنبال کرد. این بدان معناست که اگر ترکیب‌بندی خاصی در تک نماهای ساختمان‌های مجاور هم به‌صورت متعدد تکرار شود این عامل مفروض خودبه‌خود تمامی بدنه را نظم می‌بخشد.

سطح ارزش کارکردی-ابزاری

تداوم: بدنه از به هم پیوستن ساختمان‌ها، احجام و اشکال ایجاد می‌گردد و در مکان و زمان با رفتارهای اجتماعی، فرهنگی معنایی دیگر می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۶۴). سازگاری: سازگاری به اساس کنار آمدن بدنه با شرایط محیطی اطلاق می‌گردد. در بافت تاریخی سازگاری با در نظر گرفتن مصالح مناسب و بوم آورد، جزئیات اجرای و نحوه اجرای بنای جدید با بدنه تاریخی، حفظ تناسب و یکپارچگی میان اجزا و عناصر بدنه صورت می‌گیرد. تعامل: اجزا در بدنه «با یکدیگر دادوستد نموده و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. در ارتباط با بدنه‌های تاریخی تعامل زمانی صورت می‌گیرد که معماری هماهنگ با زمینه و بافت باشد. انعطاف‌پذیری: انعطاف‌پذیری در یک بدنه وابسته به رابطه جزء و کل» در ارتباط با اجزای متکثر آن می‌باشد. اینکه یک بدنه مجموعه‌ای گسترش‌یافته از رشد یک جزء و تبدیل آن به یک کل شامل اجزا است (گروتز، ۱۳۸۳، ۱۲۸). سلسله‌مراتب: ارتباطی سیستماتیک را بین اجزاء نظام نما بنیان می‌نهد که خود تشکیل‌دهنده بدنه هستند (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ۵۲).

هماهنگ. استانداردها محل تعادل بین «تمایز» و «سازگاری» را تعیین نمی‌کنند (Stewen, 2009, 131). اضافات جدید باید از موارد دیگر متفاوت باشد و همچنین باید سازگار باشد. باین حال راه‌حل‌ها مبتنی بر خلاقیت طراح است. قدیمی و جدید می‌توانند متضاد یا هماهنگ باشند. باین حال، برای هر دو افزودن جدید باید از موجود جدا شود تا بتوان تفاوت را درک کرد (Misirlisoy, 2016, 109). افزودن جدید باید به تاریخ ساختمان احترام بگذارد تا مداخله مناسبی باشد. همچنین باید از نظر فرم، اندازه و نسبت به ساختمان اصلی احترام بگذارد. علاوه بر این باید در مقیاس بزرگ‌تر از نظر ارتباط آن با زمینه و همسایگی نزدیک مورد بررسی قرار گیرد. تأثیر افزودن بر مزایای اجتماعی برای منطقه و همچنین سهم در اقتصاد محلی باید مورد تردید قرار گیرد. همان‌طور که کربونرا^۴ (۲۰۰۹) اظهار می‌دارد، سه مولفه اساسی مرمت وجود دارد: الف) تاریخ معماری و نظریه مرمت. ب) تکنیک‌های بررسی، تجزیه و تحلیل، تشخیص و مداخلات در مورد مواد و ساختار. ج) جنبه‌های قانون‌گذاری و نظارتی. هر شهر و کشوری جنبه‌های قانونی و نظارتی خاص خود را در رابطه با حفاظت و مرمت بناهای میراثی دارد؛ بنابراین، برای ایجاد جنبه‌های نظارتی مشترک، استانداردها و منشورهای حفاظت بین‌المللی وجود دارد. در این مطالعه، برخی از آن‌ها از نظر اصولی که برای طرح‌های جدید در بافت تاریخی در نظر گرفته شده، انتخاب و بررسی شده‌اند. منشور ونیز^۵ قطعنامه‌های سمپوزیوم معرفی معماری معاصر به گروه‌های باستانی ساختمان^۶، توصیه‌های مربوط به حفاظت و نقش معاصر مناطق تاریخی^۷، توصیه‌های مربوط به حفاظت و نقش معاصر مناطق تاریخی^۴، منشور بورا^۸ و تفاهم‌نامه ونیز^۹، مواردی است که شامل اصول حفاظت در مورد طراحی در محیط تاریخی است. بررسی ادبیات از طریق منشورهای ذکر شده انجام شده است.

ساختار معنایی در کالبد بدنه‌های بافت تاریخی: ساختار معنایی در کالبد بدنه‌ها به این مفهوم است که بتوان در مواجهه بلاواسطه با بدنه به درکی یکپارچه دست‌یافت، یا به‌مثابه دیگر، آن را یک کلیت معنادار، یا چنان‌که بارت می‌گوید به‌مثابه یک متن قرائت نمود. ساختار معنایی، حقیقت و ماهیت مکان می‌باشند. معنایی که مردم براساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل به رمزگشایی و درک آن‌ها می‌پردازند (راپپورت، ۱۳۹۱، ۲۳). براساس این دیدگاه، ادراک و قضاوتی که بر مبنای رمزگشایی از معانی مذکور در ذهن فرد شکل می‌گیرد، منجر به خلق مفهوم مکان می‌گردد (رلف، ۱۳۸۹، ۴۱). بدین منظور بر اساس پژوهشاتی که صورت گرفت مدل شاخص‌های ارزش‌هایی معنایی معماری بدنه‌های تاریخی با ۲۵ شاخص و در ۵ سطح ارزشی در سه کلان‌شهرهای (اصفهان، تهران، شیراز) تبیین

سطح ارزش عاطفی-حسی

تعلق: در بدنه‌های تاریخی به دلیل وجود ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی که شخص یا گروه به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از مکان ادراک می‌کنند حس تعلق صورت می‌گیرد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۱، ۷۶). ابهام: در بدنه احساس عظمت معنوی در کمال سادگی و خلوص در تشکیل و ترکیب اجزا بدنه تاریخی مدنظر قرار داشته و سادگی ترکیبات این هندسه پایه ولی غنی موجب پیدایش کالبدی شده است که پیام آن با درک ویژه حسی قابل دریافت است. هماهنگی: هماهنگی زیبایی و متوازن بودن میان اجزا بدنه است. این امر آنگاه پدید می‌آید که همه اجزا در عین تناسب باشند. سادگی: سادگی شکل در کل و جز در طراحی یک بدنه تاریخی به‌وسیله فرینه‌سازی و حذف ریزه‌کاری‌ها و جزئیات کم‌اهمیت ایجاد می‌شود (دبیا، ۱۳۷۸، ۱۷۴). پیچیدگی: در طراحی پیچیده از تعداد فرم‌ها، ریزکاری‌ها و عناصر متمایز و غیرمترقبه و غافلگیرکننده استفاده شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۵۸).

سطح ارزش ارزشی-فرهنگی

هویت: بدنه‌های تاریخی تحت سیطره بینش سنتی و آداب‌ورسوم آن و متأثر از محدودیت‌های اقلیمی و فنی شکل گرفته و لاجرم دارای وحدت و هویت می‌باشند (حجت، ۱۳۹۵، ۵۹). تباین: ناهمگونی عناصر و اجزا و در عین حال آهنگین بودن آن در ارتباط با دیگر عناصر اجزاهای اصلی است که بدنه تاریخی را از یکسانی و بی‌هویت می‌راند. تجانس: آنچه که ساخته می‌شود، چه از نظر فرم، تکنیک و جنس «زبان محیط را پذیرا است». مقیاس: مقایسه مجموعه‌ای از اندازه‌ها و نسبت‌ها در بدنه‌های شهری با یکدیگر است و مقیاس انسانی به ارتباط قامت انسان با نمای فضای شهری مربوط می‌شود (هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۴، ۱۰۳). تضاد: تضاد به معنای آن است که بنای جدید به‌صورت آگاهانه یا سهل‌انگار در تضاد با زمینه تاریخی پیرامونی قرار دارد.

سطح ارزش نشانه‌ای - نمادین

تجرید: بدنه در به‌کارگیری عناصر طبیعی (فضای شهری) و شبه طبیعی (فضای داخلی بناها) حالتی تجریدی دارد. / وحدت: در بدنه‌های تاریخی وحدت از طریق ترکیب، هماهنگی و مجاورت نماهای گوناگون به گونه‌ای که در قالب یک کل قابل‌درک باشند می‌گردد. / تمایز و تشابه: استفاده کامل از الگوهای معماری، ساختارهای کالبدی، مصالح و شیوه‌های اجرا به‌عنوان ابزاری در جهت هماهنگی حداکثری میان جدید و قدیم و تداوم کالبد در فضای قدیمی. ابهام: پوسته‌ای که به تعداد مخاطبین معانی در خود نهفته دارند. / هندسه: هندسه در کالبد عناصر بدنه‌های تاریخی موجب برقراری همبستگی در ساختار اصلی بدنه تاریخی می‌گردد و به‌صورت خطوط و تناسبات ترسیم

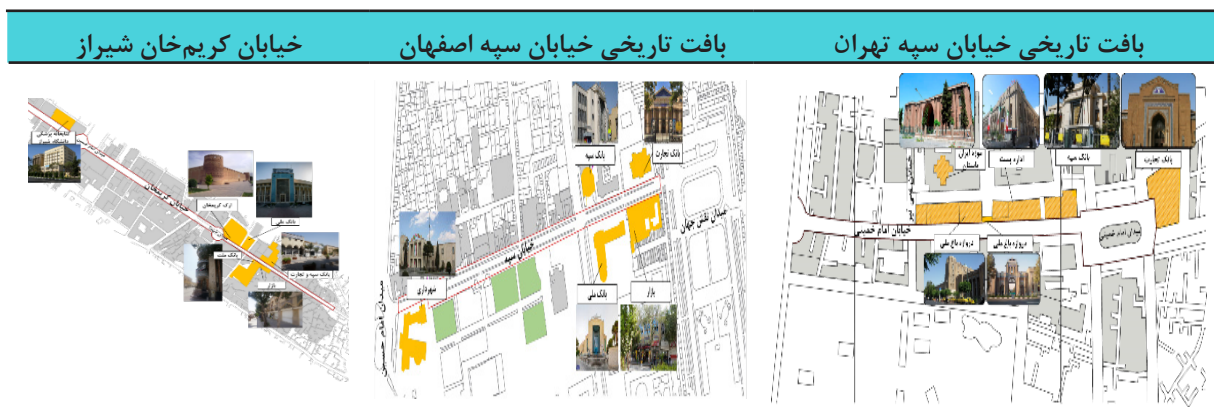
گشته، ولی در باطن اشاره و رمز آن حقیقت معنوی پنهان است (مسائلی، ۱۳۸۸، ۳۷).

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت در طراحی در مجاورت ابنیه‌های تاریخی، این امر اهمیت دارد که بی‌توجهی به بافت اطراف به لحاظ ارزش‌های ابنیه‌های تاریخی و همچنین زیبایی بافت مردود می‌باشد آنچه مسلم است، نمی‌توان راه‌حلی قاطع در مورد تمامی بافت‌ها و ابنیه ارائه نمود. لازم است قبل از هرگونه اقدامی برای طراحی در مجاورت بافت‌های باارزش، ابتدا به مطالعه‌ی دقیقی و علمی هر مورد پرداخت و کلیه‌ی خصوصیات و جوانب تاریخی، مفهوم، زیبایی‌شناسی، هندسه‌ی بنا و بافت را ارزیابی کرد. سطوح معانی ارزشی-فرهنگی و عاطفی-حسی و در نهایت نشانه‌ای - نمادین بستر مناسبی برای شناخت فرهنگ و تمدن سرزمینی هر بات تاریخی می‌باشد. همین‌طور بدیهی است طراح علاوه بر در نظرگیری موارد منحصر به ابنیه و بافت، ناگزیر از رعایت ضوابط مصوبی منطقه‌ای مرتبط با شهرها و ابنیه‌های تاریخی، و یا مصوب در سطح، بین‌المللی می‌باشد. موارد یاد شده در شکل ۲ مشخص شده است. شیوه‌های ارائه شده در ادامه این پژوهش راهکارهایی پیشنهادی هستند که می‌توان در طراحی‌های جدید در بافت‌های شهری از آن‌ها بهره جست.

روش پژوهش

این پژوهش که از نظر نوع یک پژوهش بنیادی - کاربردی است در پی پاسخ به مسئله پژوهش و رسیدن به اهداف خود با توجه به موضوع، به طراحی روشی کیفی خاص این پژوهش پرداخته و در سطح پارادایم‌های پژوهش، از پارادایم کیفی و هنجاری-ارزشی و در سطح راهبردهای پژوهش از راهبردهای مجموعه روش‌های زیرمجموعه پارادایم کیفی را برای خود برگزیده است که شامل «تحلیل محتوایی (کیفی)» و «روش پدیدارشناسی» و «روش نمونه‌گیری» است. این پژوهش، ماهیتی چند روشی دارد در سطح پارادایم‌های کیفی، دارای نگاهی «کل‌نگر» «ژرفانگر» و «هنجاری-ارزشی» است؛ و در نهایت برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و مقایسه برون داده‌ها از روش تحلیل کیفی محتوایی جهت تحلیل و جمع‌بندی مشاهدات و برداشت‌ها و شکل‌گیری نتایج استفاده شده است. در بخش برخورد و دریافت اطلاعات از بستر و زمینه از طریق روش میدانی که با مشاهده مستقیم خود پژوهشگر و در ارتباط با بافت تاریخی معماری خیابان سپه تهران و اصفهان و خیابان کریم‌خان شیراز و همین‌طور استفاده از روش اسنادی در بررسی و تحلیل مدارک نمونه‌های انتخابی کار را کامل نموده است و همین‌طور راهبرد نمونه‌گیری در سه سطح نمونه‌های مطالعاتی و تعیین و انتخاب سه الگوی معماری در تهران،

جدول ۲. بررسی و معرفی نمونه‌های موردی
Table 2. Review and Introduction of Case Studies



کلان‌شهرهای ایرانی هستند که برخلاف بسیاری از شهرهای دیگر تغییرات گسترده‌ای در این بدنه‌ها ایجاد نشده و ساختار فضایی آن‌ها تا حدود زیادی حفظ گردیده است، نمونه‌های موردی این رساله در کلان‌شهرهای ایران (تهران، اصفهان، شیراز) انتخاب گردیده است. در **جدول ۲** به بررسی و معرفی نمونه‌های منتخب پرداخته شده است.

مراحل انجام پژوهش

به طور خلاصه می‌توان گفت در پی پاسخ به مسئله پژوهش و رسیدن به اهداف خود با توجه به موضوع به طراحی روشی کیفی خاص این پژوهش پرداخته و در سطح پارادایم‌های پژوهش، رویکرد کیفی و هنجاری ارزشی را برای خود برگزیده است و در سطح راهبردهای پژوهش از راهبردهای زیرمجموعه روش پژوهش کیفی همچون:

اصفهان، شیراز در جهت آزمون نظریه استفاده‌شده است. در باب چرایی موضوعات بیان شده می‌توان گفت که «جداره‌های تاریخی» سایت‌ها را در طیف گسترده‌ای از فرم و مقیاس توصیف می‌کند. آن‌ها شامل فضاهای طبیعی یا طراحی شده، مناظر شهری، روستایی و فرهنگی هستند. آن‌ها می‌توانند تنظیم مجموعه‌های میراث فردی یا قطعه‌ای در اطراف ساختمان‌ها و بناهای تاریخی، مناطق حفاظت شده یا مناظر طراحی شده باشند. آن‌ها علاوه بر اینکه به‌خودی‌خود دارایی‌های فرهنگی قابل توجهی هستند، در تحقق طیف وسیعی از سیاست‌های عمومی از جمله آموزش، توسعه اقتصادی پایدار، سلامت و رفاه، انسجام جامعه و برنامه‌ریزی‌های محلی نقش دارند و از آنجاکه جداره‌های تاریخی خیابان سپه تهران، خیابان سپه اصفهان، خیابان کریم‌خان شیراز از نمونه‌های بسیار خوب و ماندگار بدنه‌های تاریخی



شکل ۲. طرح ارزش معنایی در بناهای میان‌افزا

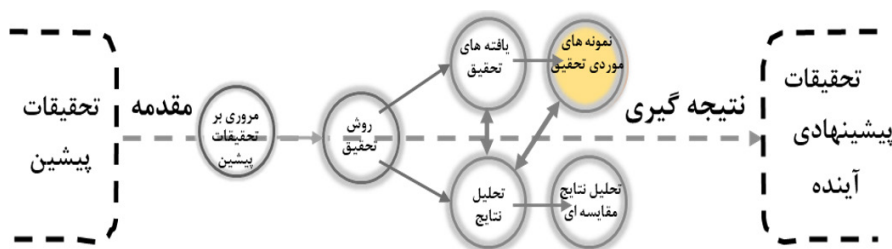
Figure 2. Semantic Value Scheme on Intermediate Buildings



شکل ۳. موقعیت خیابان سپه تهران، خیابان سپه اصفهان، خیابان کریم خان شیراز بر روی نقشه ایران (ماخذ: سایت جاذبه های گردشگری ایران)
 Figure 3. Location of Iran's Sepah St., Isfahan's Sepah St., Karim Khan St. of Shiraz on Iran map. (Source: Mojnews, 2018)

-پایاده‌سازی شاخص‌های ارزش‌های معنایی موجود در مکان و ذهن در پنج دسته در چهارچوب مفهومی و مشخص کردن رابطه با مفاهیم ماتریس؛
 -تکمیل کردن ماتریس بر اساس مدارک اسنادی (نقشه‌ها) مشاهدات و پیشینه موجود؛
 -گفتگو؛
 -شاخص‌های ارزش‌های معنایی معماری بدنه تاریخی جهت ارزیابی نمونه‌های موردی تعیین خواهند شد که برگرفته از سطوح معانی موجود در مکان و ذهن می‌باشد و طبقه‌بندی آن‌ها از پنج بخش آنی و ابتدائی، کارکردی- ابزاری، عاطفی حسی، ارزشی- فرهنگی، نشانه- نمادین انجام می‌گیرد.
 -نهایی کردن ماتریس مفهومی / به‌دست‌آوری فراوانی هر یک از مفاهیم

راهبرد پژوهش پدیدارشناسانه و سلسله‌مراتبی برای تعمیق مطلب و دستیابی به مفاهیم پایه، و همچنین راهبرد تحلیل محتوای کیفی در تحلیل نهایی و به‌دست‌آوری نتایج در پژوهش بهره گرفته است، همچنین از تدابیر ارائه چهارچوب مفهومی، مدل‌سازی، ماتریس‌های مفهومی و ترسیم نمودارهای مقایسه‌ای استفاده کرده است. گام‌ها و مراحل پایاده‌سازی، به‌دست‌آوری و تحلیل چهارچوب مفهومی در ذیل آمده است:
 -جمع‌آوری اسناد مدارک و نمونه‌های کافی از سه الگوی بافت تاریخی (تهران، اصفهان، شیراز)؛
 -شناخت عناصر بدنه در سه نمونه موردی بدنه تاریخی با بررسی اسنادی و مشاهده میدانی و گفتگو با باشندگان؛
 -به‌دست‌آوری تعریف صحیح و کارکرد هر یک از عناصر بدنه؛



ش. هوژپ دن‌ی‌ارف ۴۰ ل‌کش

در معماری بدنه‌های بافت تاریخی (تهران، اصفهان، شیراز). در شکل ۴ روند اجرای پژوهش مشاهده می‌شود

نتایج پژوهش

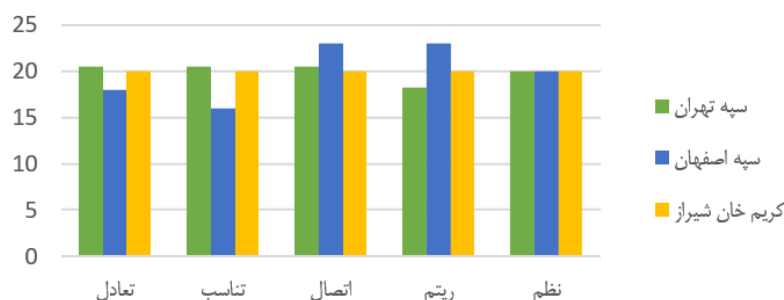
در سطح ارزشی آنی ابتدایی در خیابان سپه تهران بیشترین ارزش معنایی متعلق به شاخص‌های تناسب، اتصال/ پیوستگی و نظم و تعادل بوده است که این نشان از آن دارد که سلسله ارتباطات میان اجزاء بدنه خیابان سپه تهران با هم و همچنین نظم میان اجزای بدنه اندازه درخور می‌بخشد و میان آن‌ها توافق و تناسب ایجاد می‌کند. کمترین شاخص معنایی متعلق به ریتم می‌باشد. این بدان معناست که تمامی بدنه خیابان سپه تهران از اجزائی تشکیل شده‌اند که بالتبع تکرار می‌گردند. همین‌طور در تحلیل ماتریس خیابان سپه اصفهان در بخش معانی موجود می‌توان گفت بیشترین ارزش معنایی متعلق به شاخص‌های ریتم و اتصال/ پیوستگی است. به نظر می‌رسد این امر به این دلیل است که اجزا بدنه در وجود و مراتب خود خصلتی متصل و پیوسته داشته که در هر نما به شیوه‌ای خاص حضور یافته است و بالتبع در بدنه تکرار گشته‌اند. در خیابان کریم‌خان شیراز تمامی شاخص‌ها دارای یک‌میزان سطح ارزش معنایی هستند. سلسله ارتباطات میان اجزا یک بدنه نسبت به هم و نسبت اندازه آن‌ها به با تمام بدنه به‌مثابه یک کل کوچک سبب برجسته‌شدن ۵ اصل (پیوستگی و اتصال، تناسب، تعادل، ریتم و نظم) در بدنه خیابان کریم‌خان شیراز شده است. در خیابان کریم‌خان شیراز با مدفون ساختن تونل در قسمت زیرین خیابان کریم‌خان خود موجب حفظ ارزش بافت تاریخی این بافت گشته است (شکل ۵). در سطح ارزشی کارکردی- ابزاری در خیابان سپه تهران بررسی‌ها

نشان می‌دهد که به‌اندازه نیمی از ارزش‌های معنایی در بدنه متعلق به شاخص تداوم بوده و این امر از طریق به هم پیوستن ساختمان‌ها، احجام و اشکال ایجاد می‌گردد و در مکان و زمان با رفتارهای اجتماعی، فرهنگی معنایی دیگری می‌یابد. در خیابان سپه اصفهان بیشترین ارزش معنایی متعلق به سلسله‌مراتب، تداوم، تعامل است که این امر نشان‌دهنده آن است که بدنه تاریخی خیابان سپه اصفهان از به هم پیوستن ساختمان‌ها، احجام و اشکال ایجاد می‌گردد و موجب تعیین ارتباط اجزا با یکدیگر، و روشن شدن وابستگی اجزا با یکدیگر و با کل بدنه انجام گشته

است. بیشترین ارزش معنایی در خیابان کریم‌خان شیراز متعلق به شاخص‌های تداوم، سازگاری، و انعطاف‌پذیری است که این امر نشان‌دهنده آن است تنوع حجمی در میانه جداره تداوم ساختمان بانک ملی با ایجاد یک فضای جلوآمده مناسب به‌عنوان فضای ورودی توانسته ارزش فضایی را در کالبد خیابان کریم‌خان شیراز وارد کند که ضمن ایجاد انعطاف‌پذیری و حفظ تناسب و یکپارچگی میان اجزا و عناصر بدنه موجب سازگاری و کنار آمدن جداره با شرایط محیطی شده است (شکل ۶).

در سطح ارزشی (ارزشی- فرهنگی) در کالبد بدنه تاریخی خیابان سپه تهران از منظر ارزشی- فرهنگی بیشتر از همه معطوف به شاخص تباين و باهدف ناهمگونی عناصر و اجزا و درعین حال آهنگین بودن آن در ارتباط با دیگر عناصر و اجزاها، اصلی است که بدنه تاریخی را از یکسانی و بی‌هویتی می‌رهاند. تضاد موضوع نسبتاً مهمی دیگری در بافت تاریخی خیابان سپه تهران می‌باشد؛ زیرا معمار در طراحی ساختار نسبتاً جدید (ساختمان آرت دکو)، بنا را بر حداکثر تضاد گذارده و با روحیه‌ای کاملاً متفاوت و یا متضاد، سعی در پدیدآوردن

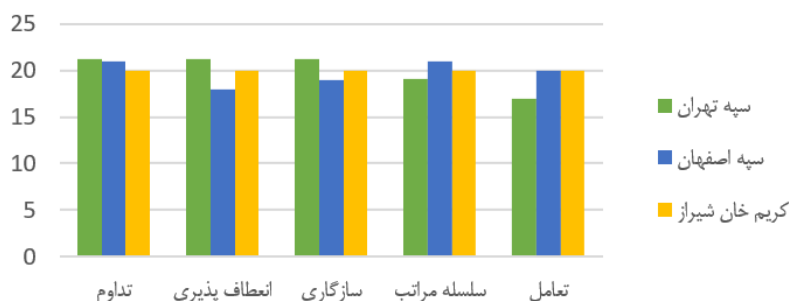
سطح ارزشی آنی ابتدایی



شکل ۵. مقایسه سطح ارزشی آنی ابتدایی

Figure 5. Comparison of First Instantaneous Value Level

سطح ارزشی کارکردی- ابزاری



شکل ۶. مقایسه سطح ارزشی کارکردی- ابزاری در نمونه های منتخب

Figure 6. Comparison of Functional-Instrumental on Value Level in Selected Samples

ساختمان بانک ملت نسبت به جداره‌های اطراف «چیز دیگری» است (شکل ۷).

در سطح ارزشی عاطفی-احساسی در سپه تهران بیشترین ارزش معنایی متعلق به شاخص‌های هماهنگی و سادگی بوده که این خود می‌تواند دلیل بر این باشد که همه اجزا در بدنه بافت تاریخی خیابان سپه تهران دارای تناسب می‌باشند که موجب سادگی شکل در کل و جز در بدنه تاریخی گشته است. در اصفهان بیشترین ارزش معنایی متعلق به شاخص‌های هماهنگی و تعلق بوده که این خود می‌تواند دلیل بر این باشد که در ترکیب پیچیده میان عناصر بدنه بافت تاریخی خیابان سپه اصفهان کلیتی هماهنگ وجود دارد یکی دیگر از شاخص‌های پراهمیت در سطح ارزشی (عاطفی-احساسی) سادگی است که بدنه تاریخی خیابان سپه با ایجاد تعادل بصری و قرینه‌سازی و حذف ریزه‌کاری‌ها و جزئیات کم‌اهمیت به ایجاد سادگی

بیشترین میزان تباین ماهیتی میان جدید و قدیم دارد. در مقایسه و تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از بدنه خیابان سپه اصفهان بر نبش تأکید شده و همچنین به‌عنوان عنصر نشانه در میان بدنه استفاده‌شده است و این بدنه بیش از هر چهره دیگری با مردم، ساکنان و توریست‌های شهری ارتباط برقرار کرده و در هماهنگی با بوم بوده است در نظری دیگر می‌توان گفت در مناطقی از بدنه (نمای بانک سپه) که دارای عملکرد خاص است از مسئله تضاد جهت تأکید به آن استفاده گشته است در مقایسه و تحلیل نتایج به‌دست‌آمده در بدنه خیابان کریم‌خان شیراز هم بر نبش تأکید شده است و همان معانی اصفهان را تداعی می‌کند یعنی می‌توان گفت جداره بانک ملت به‌عمد در تضاد و جدایی با محیط نشان داده‌شده است، و این جدایی دلایل مختلفی دارد، از جمله ساختمان‌های همسایه فاقد ارزش معنایی و شبیه‌سازی هستند و متناسب و هماهنگ با بافت تاریخی خیابان کریم‌خان نبوده و

سطح ارزشی (ارزشی-فرهنگی)



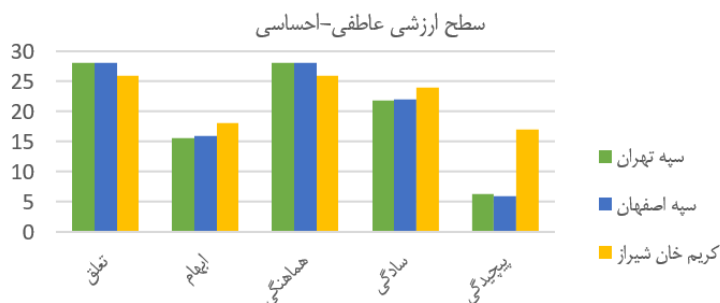
شکل ۷. مقایسه در سطح ارزشی (ارزشی-فرهنگی) در نمونه های منتخب

Figure 7. Comparison of Value Level (value-culture) in Selected Samples

سپه تهران با توسل به هندسه در ساختار آشکار بدنه تاریخی به‌صورت خطوط و تناسبات ترسیم گشته است رتبه دوم سطح ارزشی به وحدت که موجب ترکیب، هماهنگی و مجاورت نماهای گوناگون به‌گونه‌ای که در قالب یک کل قابل درآمده‌اند تعلق داشته است مسئله ایهام موضوع نسبتاً مهمی دیگری در بافت تاریخی این خیابان می‌باشد که به تعداد مخاطبین خود معانی در خود نهفته دارد. یک‌سوم ارزش‌های معنایی بدنه تاریخی خیابان سپه تهران میان دو فضای باز و بسته اختصاص به شاخص تجریدی دارد و استفاده کامل از الگوهای معماری و ساختارهای کالبدی و حتی مصالح و شیوه‌های اجرا به‌عنوان ابزاری در جهت هماهنگی حداکثری میان جدید و قدیم و تداوم کالبد و فضای قدیم مورد تشابه قرار گرفت. در بدنه تاریخی خیابان سپه اصفهان از منظر ذهنی (نمادین-نشانه‌ای) بیشتر از همه معطوف به هندسه و تشابه/ تمایز و ایهام است؛ زیرا هندسه ابزاری مناسب جهت نظم بخشیدن به معماری و برقراری روابط آگاهانه میان

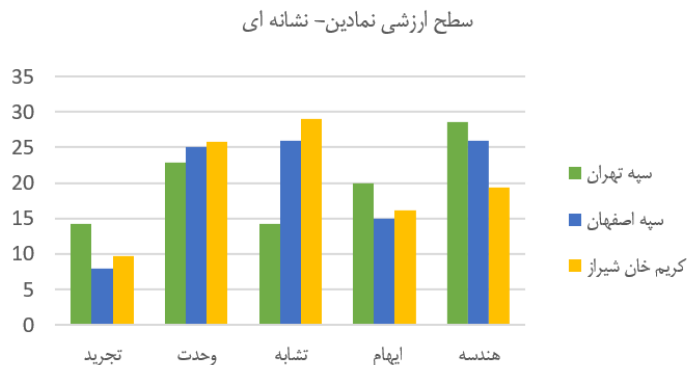
کمک شایانی کرده است و کمترین ارزش معنای به دلیل خلوص و صراحت در بدنه تاریخی متعلق به شاخص پیچیدگی است. در شیراز بیشترین ارزش معنایی متعلق به شاخص‌های هماهنگی و تعلق بوده که این خود می‌تواند دلیل بر این باشد که ترکیب، تنظیم و ارتباط متناسب و همکاری میان عناصر جداره ارگ کریم‌خان برای رسیدن به هدفی خاص با حفظ شخصیت هر عنصر مجموعه‌ای مطلوب را ایجاد کرده است و همین حس تعلق به مکان و در نهایت ایجاد هویت برای شهروندان را تداعی می‌کند. یکی دیگر از شاخص‌های پراهمیت در سطح ارزشی (عاطفی-احساسی) سادگی است، خلوص و صراحت در بدنه تاریخی ارگ، آن را قابل‌درک سریع کرده و با ایجاد تعادل بصری و قرینه‌سازی و حذف ریزه‌کاری‌ها و جزئیات کم‌اهمیت به ایجاد سادگی کمک شایانی کرده است (شکل ۸).

در سطح ارزشی نمادین- نشانه‌ای در تهران بیشترین ارزش متعلق به هندسه است که این نشان‌دهنده این امر است که معماری خیابان



شکل ۸. مقایسه سطح ارزشی (عاطفی-احساسی) در نمونه های منتخب

Figure 8. Comparison of Value Level (emotional) in Selected Sample



شکل ۹. مقایسه سطح ارزشی (نمادین- نشانه ای) در نمونه های منتخب

Figure 9. Comparison of Value Level (symbolic) in Selected Sample

نتیجه‌گیری

در مقام قیاس بین سطوح ارزشی هر کدام از نمونه‌های منتخب می‌توان گفت ارزش‌های معنایی معماری بدنه بافت تاریخی خیابان سپه تهران در سطوح ارزشی «آنی-ابتدایی»، دارای بیشترین نمره و میانگین هستند که خود معرف این است که معنای صریح در باز شناخت بدنه در تعبیر بر ادراک بصری اثر در نخستین لحظه رویارویی با بدنه، بدون تأثیرپذیری از جمیع حواس باطنی دانست؛ درجه دوم اولویت سطح ارزشی متعلق به سطح کارکردی-ابزاری است که مرتبط با کارکردی است در این مرحله آنجا که بدنه نقش ارتباط متقابل میان اجزا را بازی می‌کند و موجب گسترش یک کل می‌شود آن را تعامل و انعطاف‌پذیری می‌نامد. اولویت سوم سطح ارزش نمادین-نشانه‌ای را معرفی می‌کند بدین معنا که بدنه تاریخی خیابان سپه تهران نه تنها از طریق بستر فیزیکی‌اش، بلکه به‌وسیله طیفی از فرایندهای اجتماعی-روان‌شناختی که در آن روی می‌دهد مشخص شده است. اولویت چهارم مشخص می‌کند که سطوح ارزشی عاطفی-حسی گواه این است که بدنه تاریخی خیابان سپه، بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و بافت تاریخی مفروض است. این پیوند از تلاش برای هویت یافتن، یعنی به بافت احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. احساسی که به انسان آرامش می‌دهد سطح ارزشی -فرهنگی از درجه کم‌اهمیت‌تری نسبت به سطوح دیگر برخوردار است این تحلیل نشان‌دهنده این است که هرگاه مؤلفه‌های کالبدی و معانی به طور سازمان‌یافته‌ای نظام یابند و تعامل نظام‌مندی با هم و با انسان به‌عنوان مخاطب و ناظر داشته باشند، به‌طوری‌که این تعامل بتواند بر حالات روحی و ذهنی انسان تأثیر بگذارد و با ذهنیت او ترکیب شود.

با توجه به شکل ۱۰، شاخص‌های ارزش‌های معنایی معماری بدنه بافت تاریخی خیابان سپه اصفهان در سطوح ارزشی «آنی-ابتدایی»، دارای بیشترین نمره و میانگین هستند که خود معرف این است که معنای صریح به معنای شناخت تقریباً آنی بدنه به‌صورت بصری که سخت در حافظه انسان جای می‌گیرد است؛ بدون تأثیرپذیری از حواس باطنی است؛ درجه دوم اولویت سطح ارزشی متعلق به سطح کارکردی-ابزاری است که مرتبط با کارکردی است؛ در بدنه‌ی تاریخی خیابان سپه، فضا هیچ‌گاه با قاطعیت مشخص نمی‌شود و ابهام ترکیبات پیچیده آن به دلیل غنا بخشیدن به منظره ایست که نمی‌توان آن را در قالب محدود و تمامیت یافته تفسیر کرد. این فضا حامل پیام از پدیده‌ای است که پدیده دیگری را در درون خود دارد و در بیان اصل سلسله‌مراتب و مفهوم انعطاف‌پذیری یکی از خصوصیات معماری ایران برقراری تداوم مکانی می‌باشد. اولویت سوم سطح ارزش نمادین-نشانه‌ای را معرفی می‌کند بدین معنا که بدنه تاریخی خیابان سپه

اجزای بدنه با یکدیگر بوده تا در عین تشابه/ تمایز، مرکب بودن، یکپارچگی؛ فضا را به‌عنوان یک ترکیب خالق و هدفمند میسر ساخته است و برخلاف صورت خارجی واقعیتی درونی را در خود نهان کرده است. در بدنه تاریخی خیابان کریم‌خان شیراز از منظر ذهنی (نمادین-نشانه‌ای) بیشتر از همه معطوف به تشابه/تمایز است؛ زیرا کلیه عناصر گوناگون جداره را تحت پوشش شکل مشابه (بازشوهای قوسی شکل) که در همه قسمت‌های بدنه غالب است درآورده و با مشاهده این شکل در همه‌جا، بدنه را به‌صورت یک کل حاصل از تکرار آن درک کرده است و این عناصر مشابه در بدنه در فاصله‌های نسبتاً مناسبی از یکدیگر تکرار شده‌اند (شکل ۹).

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود ابتدا سطوح ارزشی هر کدام از نمونه‌های مطالعاتی را بر اساس شاخص‌های به‌دست‌آمده از مطالعات انجام شده سنجیده می‌شود و در مقام قیاس قرار می‌گیرد در جدول و شکل ۴ می‌توان این قیاس را مشاهده کرد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش در حوزه مفاهیم معنایی نهفته در بدنه‌های بافت تاریخی و اولویت‌بندی که در مورد سطوح ارزشی مختلف آن مفاهیم صورت گرفت می‌توان ضوابط کامل‌تری را در راستای کیفی‌سازی ساخت بناهای میان‌افزا در بدنه‌های بافت تاریخی طراحی و تدوین نمود. از دیدگاه نگارنده اولویت‌های اول ارزش‌های معنایی که به‌راحتی در بناهای میان‌افزا قابل بازآفرینی خواهد بود عبارت‌اند از: اتصال/پیوستگی، ریتم، نظم انعطاف‌پذیری، هویت، هماهنگی، سایر ارزش‌های به‌دست‌آمده نیز در اولویت‌های بعدی قابل بازنمایی خواهند بود.

در ارتباط با هر یک از موارد فوق، سه بخش مجزا با ترتیب احکام سلبی یا الزامات (به معنی آنچه نباید انجام شود) و احکام ایجابی یا ضروری (به معنی آن چه باید انجام شود) و توصیه‌ها (به معنی آنچه بهتر است انجام شود؛ ولی رعایت و انجام آن الزامی نیست) ارائه گردیده است که لازم است مورد توجه کلیه ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران (مالکین طراحان، تصویب‌کنندگان طرح‌ها و ناظران) در بناهای میان‌افزا قرار گیرد (جدول ۴).

مدل شاخص‌های مفاهیم معنایی نهفته در بدنه‌های بافت تاریخی با ۲۵ شاخص و در ۵ سطح واحد امتیازی بندی قابل تبیین است. در این نمایها ترتیب شاخص‌ها در هر سطح و به ترتیب اولویت اول مربوط به (بالای ۹۰ درصد)، اولویت دوم (۹۰ تا ۸۰ درصد)، اولویت سوم (۸۰ تا ۷۰ درصد) و اولویت چهارم (۷۰ تا ۶۰ درصد) و اولویت پنجم (۵۹ تا ۱ درصد) واحد می‌باشد، اهمیت است. وزن هر سطح و در میزان تأثیر آن بر بدنه‌های بافت تاریخی کلان‌شهرهای (تهران، اصفهان، شیراز) نسبت به مابقی سطوح نیز دیده می‌شود (جدول ۵).

جدول ۳. خلاصه‌ای از تحلیل‌های انجام شده در باب مفاهیم معنایی نهفته در معماری بدنه‌های بافت تاریخی کلان‌شهرهای (تهران، اصفهان، شیراز)
 Table 3. A Summary of the Analyzes Performed on the Semantic Concepts Hidden in the Architecture of the Historical Context Bodies of Metropolitan Cities (Tehran, Isfahan, Shiraz)

جمع امتیازات سطوح ارزشی	در جمع امتیازات شاخص‌ها در مورد بررسی کلان‌شهرهای تاریخی	کلان‌شهرهای مورد بررسی						شاخص‌ها	سطوح ارزشی	نوع ارزش	ارزش‌های معنایی موجود در مکان
		خیابان کریم‌خان شیراز		خیابان سپه اصفهان		خیابان سپه تهران					
		امتیازات سطوح ارزشی	امتیازات شاخص‌ها	امتیازات سطوح ارزشی	امتیازات شاخص‌ها	امتیازات سطوح ارزشی	امتیازات شاخص‌ها				
۱۳۸	۲۷	۵۰	۱۰	۸	۴۴	۹	تعداد	آنی - ابتدایی (سطح ۱)	مفاهیم معنایی نهفته در مکان		
	۲۶		۱۰	۷		۹	تناسب / توازن				
	۲۹		۱۰	۱۰		۹	انصال / پیوستگی				
	۲۸		۱۰	۱۰		۸	ریتم				
	۲۸		۱۰	۹	۹	نظم					
۱۳۰	۲۵	۴۷	۱۰	۹	۴۳	۶	تداوم	کارکردی - ابزاری (سطح ۲)	مفاهیم معنایی نهفته در ذهن		
	۲۸		۱۰	۸		۱۰	انعطاف‌پذیری				
	۲۷		۱۰	۸		۹	سازگاری				
	۲۵		۹	۹		۷	سلسله‌مراتب				
	۲۵		۸	۹	۸	تعامل					
۱۰۵	۲۴	۳۷	۱۰	۹	۳۸	۵	هویت	ارزشی-فرهنگی (سطح ۳)	مفاهیم معنایی نهفته در ذهن		
	۲۶		۸	۹		۹	تباین				
	۱۹		۵	۹		۵	تجانس				
	۱۹		۶	۹		۴	مقیاس				
	۱۷		۸	۲	۷	تضاد					
۹۸	۲۵	۳۴	۹	۹	۳۲	۸	تعلق	عاطفی - احساسی (سطح ۴)	مفاهیم معنایی نهفته در ذهن		
	۱۵		۶	۵		۴	ابهام				
	۲۸		۹	۹		۱۰	هماهنگی				
	۲۴		۸	۷		۹	سادگی				
	۵		۲	۲	۱	پیچیدگی					
۱۰۶	۱۲	۳۱	۳	۴	۴۰	۵	تجرید	نشانه‌ای - نمادین (سطح ۵)	مفاهیم معنایی نهفته در ذهن		
	۲۶		۸	۱۰		۸	وحدت				
	۲۴		۹	۱۰		۵	تشابه/ تمایز				
	۱۸		۵	۶		۷	ابهام				
	۲۵		۵	۱۰	۱۰	هندسه					

بیشترین اهمیت در شاخص‌ها
 کمترین اهمیت در شاخص‌ها
 بیشترین اهمیت در سطوح ارزشی
 کمترین اهمیت در سطوح ارزشی

جدول ۴. نمودار شاخص‌ها در سطوح

Table 4. Charts of Indicators at Rules Levels

نوع ارزش	اولویت‌بندی ارزش	ماهیت و سطح ارزش	شاخص	سلبی	ضروری	توصیه‌ای
ارزش‌های معنایی موجود در مکان	اولویت ۲	آنی - ابتدایی (سطح ۱)	تعادل	به‌کارگیری احجام منظم و ارتفاع مناسب	هم تراز یا مساوی کردن وزنه‌ای بصری در نما	ترکیب متقارن و دارای مرکزیت
	اولویت ۲		تناسب/ توازن	-----	کاملاً مردم‌وار و انسانی	ارتباطات میان اجزاء یک بدنه با هم و با عناصر دیگر بهره‌گیری از «پیمون»
	اولویت ۱		اتصال/ پیوستگی	پرهیز از ایجاد فاصله در بین بناهای بدنه	یکپارچگی میان اجزا بدنه	پیروی کردن از نمای موجود
	اولویت ۱		ریتم	جلوگیری از ایجاد یکنواختی در بدنه با تداوم عناصر مشابه در فواصل کوتاه	تکرار منظم اجزا بدنه و ارتباط قوی بین اجزا و سازمان‌دهی فرم‌ها در بدنه	تکرار عناصر عمودی و افقی
	اولویت ۱		نظم	پرهیز از همبستگی زیاد میان اجزا (جلوگیری از یکنواختی)	همبستگی میان اجزا	اندازه درخور بخشیدن به اجزا
ارزش‌های معنایی موجود در ذهن	اولویت ۲	کارکردی - ابزار (سطح ۲)	تداوم	جداسازی بصری مابین بناهای بدنه	استمرار احجام و اشکال بناها	تکرار عناصر در بدنه به‌صورت ریتمی
	اولویت ۱		انعطاف‌پذیری	پرهیز از عناصر تک عملکردی در بنا	برقراری رابطه جزء و کل «در ارتباط با اجزای متکثر آن»	استفاده از اشکال انعطاف‌پذیر و به‌کارگیری منطقی تضاد در عناصر و اجزاء آن
	اولویت ۲		سازگاری	عدم استفاده از ترکیبات نامنظم	همانگی بین خصوصیات شکل فیزیکی یک بدنه و مشخصات فعالیت‌های آن	پیروی از عناصر بدنه و استفاده از مصالح مشابه به‌صورت ساده در جهت سازگاری با بناهای اصلی بدنه
	اولویت ۲		سلسله‌مراتب	پرهیز از ارتباط مستقیم فضای باز شهری به فضای بسته بنا	استفاده از فضای پوشیده مابین فضای درون و برون بدنه	تعبیه تراس و ایوان مابین عرصه عمومی و خصوصی
	اولویت ۲		تعامل	پرهیز از حذف فضای پوشیده (تراس) مابین فضای باز و بسته	برقراری ارتباط میان اجزا بدنه	تعبیه تراس و ایوان مابین فضای برون و درون بنا
	اولویت ۱	عاطفی - احساسی (سطح ۳)	هویت	پرهیز از استفاده از سبک‌های مختلف در ساخت بنای میان‌افزا	ارجحیت استفاده از مواد و مصالح بومی، سبک‌ها	استفاده از طراحی‌های ساده در ساختارهای جدید
	اولویت ۴		تباین	جلوگیری از ایجاد یکنواختی میان عناصر بدنه	آهنگین بودن عناصر بدنه در ارتباط با دیگر عناصر و اجزاها	ناهمگونی عناصر و اجزا
	اولویت ۳		تجانس	عدم محدود نمودن فرم سقف، رنگ و مصالح نما	جلوگیری از بی‌نظمی و آشفتگی میان عناصر و اجزا بدنه	استفاده از فرم، تکنیک و مصالح بدنه تاریخی
	اولویت ۳		مقیاس	عدم غلبه ارتفاع و اندازه بنای میان‌افزا بر بناهای دیگر بدنه تاریخی	برقراری توازن میان بنای میان‌افزا با بدنه تاریخی	بنای جدید در ارتفاع و تناسب با بناهای اطراف باشد
	اولویت ۵		تضاد	جلوگیری از ایجاد تضاد میان بنای جدید با محیط پیرامون خود	-----	-----
اولویت ۲	ارزشی-فرهنگی (سطح ۴)	تعلق	-----	ارتباطات بصری، مقیاس و تناسبات	استفاده از نمادها و کیفیت‌های محیطی	
اولویت ۵		ابهام	-----	-----	تعبیه ایوان یا تراس مابین فضای درون و برون بنا	
اولویت ۱		همانگی	عدم ساخت بنای جدید با سبک‌های متنوع	ارتباط متناسب میان عناصر بدنه با حفظ شخصیت هر عنصر	استفاده از ارکان بدنه در ساختار جدید در جهت یکپارچگی بافت	
اولویت ۳		سادگی	حذف و جزئیات کم‌اهمیت در بنای جدید	سادگی شکل در کل و جز	استفاده از قرینه‌سازی،	
اولویت ۵		پیچیدگی	جلوگیری از اغتشاش در بدنه	توجه به ریزه‌کاری‌ها و عناصر متمایز	استفاده از تعدد فرم‌ها و جانمایی عناصر غیرمترقبه و غافلگیرکننده	

ادامه جدول ۴. نمودار شاخص‌ها در سطوح

Continuie of Table 4. Charts of Indicators at Rules Levels

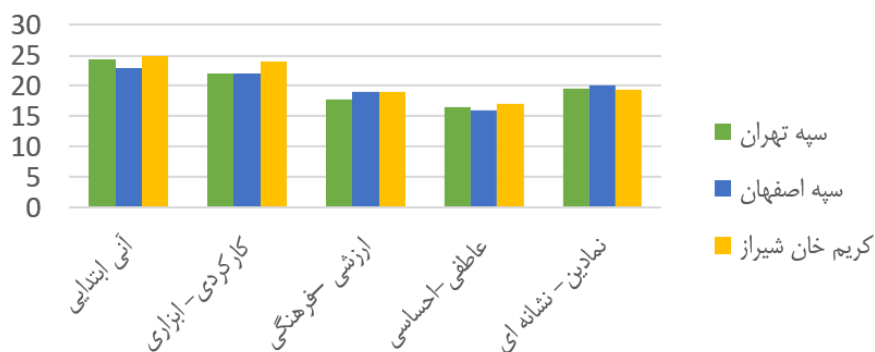
نوع ارزش	اولویت‌بندی	ماهیت و سطح ارزش	شاخص	سلبی	ضروری	توصیه‌ای
اولویت ۳ و ۴	اولویت ۵	نشانهای نمادین (سطح ۵)	تجريد	-----	-----	تعبیه ایوان یا تراس به منظور ارتباط بین فضای باز و بسته

جدول ۵. جدول اولویت‌بندی شاخص‌ها در سطح واحد

Table 5. Prioritization of Indicators at the Unit Level

سطح واحد	تعداد شاخص‌ها	درصد از کل	احکام
اولویت ۱	۶	۲۴٪	احکام سلبی
اولویت ۲	۱۰	۴۰٪	احکام ضروری
اولویت ۳	۲	۸٪	احکام ضروری
اولویت ۴	۳	۱۲٪	احکام توصیه‌ای
اولویت ۵	۴	۱۶٪	احکام توصیه‌ای
کل شاخص‌ها	۲۵	۱۰۰٪	

سطح ارزشی کارکردی- ابزاری



شکل ۱۰. جمع بندی و مقایسه کلی ارزش‌ها در نمونه‌های منتخب

Figure 10. Summary and General Comparison of Values On Selected Samples

اصفهان مطروف را کدی برای ویژگی‌های زیستی- فیزیکی نیست؛ بلکه پدیده‌ای حاصل از مجموعه‌ای از مکانیزم‌های فرهنگی و اجتماعی است که ارزش‌ها و معانی ویژه‌ای را دارا است. اولویت چهارم مشخص می‌کند که سطوح ارزشی عاطفی- حسی گواه این است که بدنه تاریخی خیابان سپه دارای ابهامی است که درک ویژه حسی قابل دریافت دارد و توأم با کلیتی است که کمال خود را در منظر و تصویری کامل القا می‌نماید. سطح ارزشی- فرهنگی از درجه کم‌اهمیت‌تری نسبت به سطوح دیگر برخوردار است که این تحلیل نشان‌دهنده این است که بدنه تاریخی خیابان سپه اصفهان در مسیر تعامل مؤلفه معنا و ارتقای سطح این مؤلفه در بدنه کالبدی ماهیت فردی ندارد، قید زمان نمی‌پذیرد و با اتصال به زیبایی حقیقی هرگز کهنه نمی‌شود و گرد فراموشی بر آن نمی‌نشیند. ارزش‌های معنایی معماری بدنه بافت تاریخی خیابان کریم‌خان شیراز در سطوح ارزشی «آنی- ابتدایی»، دارای بیشترین نمره و میانگین هستند که خود معرف این است که معنای صریح به معنای شناخت تقریباً آنی بدنه به صورت بصری که سخت در حافظه انسان جای می‌گیرد، است؛ اکثراً به صورت معنی فردی و خصوصی بوده و چیزی نیست که به صورت عام در نزد همه افراد به صورت مشترک برداشت شود؛ درجه دوم اولویت سطح ارزشی متعلق به سطح کارکردی- ابزاری است که ارتباط زیادی با الگوهای ذهنی مردم دارد؛ بدنه‌ی تاریخی خیابان کریم‌خان شیراز بیانگر خوبی برای محتوای درونی خود و عملکردش می‌باشد که موجب هماهنگی واقعیت بدنه با معنی تداعی شده در ذهن بیننده می‌شود. اولویت سوم مشخص می‌کند که سطوح ارزشی عاطفی- حسی گواه این است که بدنه تاریخی خیابان کریم‌خان شیراز با توجه به حالتی که دارا می‌باشد، می‌تواند نوعی مفهوم به خصوص را در فرد تداعی کند و عاطفه‌ای را در او شکل دهد. اولویت چهارم سطح ارزشی □ فرهنگی را معرفی می‌کند بدین معنا که مطروف را کدی برای ویژگی‌های زیستی- فیزیکی نیست؛ بلکه پدیده‌ای حاصل از مجموعه‌ای از مکانیزم‌های فرهنگی و اجتماعی است که ارزش‌ها و معانی ویژه‌ای را دارا است. سطح ارزش نمادین- نشانه‌ای از درجه کم‌اهمیت‌تری نسبت به سطوح دیگر برخوردار است که این تحلیل نشان‌دهنده این است که بدنه تاریخی خیابان کریم‌خان شیراز ما شاهد آراسته گردیدن آن‌ها با تزئینات آجرکاری و کاشی‌کاری هستیم که همگی حاکی از معانی اشاره‌ای متعدد و با ارزشی هستند که یک بدنه می‌تواند آن‌ها را مطرح کند. «معانی موجود در مکان» یا «صریح» بر مبنای متأثر بودن از بعد فیزیکی، شامل «معانی آنی- ابتدایی» و «معانی موجود در ذهن انسان» یا «ضمنی» نیز بر مبنای متأثر بودن از ابعاد شخصی و اجتماعی، شامل «معانی کارکردی، معانی عاطفی- حسی، ارزشی- فرهنگی و معانی

نشانه‌های - نمادین» می‌گردند. مدل شاخص‌های ارزش‌هایی معنایی معماری بدنه‌های تاریخی با ۲۵ شاخص و در ۵ سطح ارزشی در سه کلان‌شهرهای (اصفهان، تهران، شیراز) تبیین گردید. با پژوهش‌هایی که در این پژوهش صورت گرفت مشخص گردید در کشور ایران قوانینی در جهت ساخت بناهای میان افزا در بافت تاریخی وجود ندارد از سویی برنامه‌ی مشخصی نیز در سازمان‌هایی مانند میراث‌فرهنگی، وزارت راه و شهرسازی و دیگر سازمان‌های مرتبط به صورت قوانین مدون و سازمان‌یافته وجود ندارد و تمامی این سازمان‌های نامبرده تابع قوانین منشور آتن هستند که این قوانین و آیین‌نامه‌ها بین‌المللی است و به جنبه بومی توجه ای ندارد؛ هرچند اجرای این قوانین در سازمان‌های ایرانی باعث ایجاد نظم ساختاری در ساخت بناهای میان افزا شده است؛ اما مدت‌زمان زیادی است که بدون به‌روزرسانی و توجه به بوم مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین ضوابط در هر بافت تاریخی و برای هر تک بنا به‌تنهایی محاسبه شده که بیشتر به جنبه‌های کمی پرداخته و جنبه‌های کیفی (معنایی) که موجب ارزش و ماندگاری بافت تاریخی گشته است را مدنظر قرار نداده است حال آنکه بافت تاریخی محیطی برای ایجاد آرامش آدمی است که با در نظر گرفتن و ترویج بسیاری از جهات کیفی مانند ارزش‌های معنایی، می‌توان سریع‌تر و با صرفه اقتصادی بهتر به هدف تأمین بناهای مطلوب در بدنه‌های بافت تاریخی رسید.

۱- پی‌نوشت‌ها

۱. اوژن، ویوله لودوک. (۱۸۷۹) Eugén Viollet le Duc. (۱۸۱۴) معمار فرانسوی که به‌عنوان یکی از فعال‌ترین مرمت‌کنندگان آثار تاریخی در جهان شناخته شده است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ۳۵). وی باهدف یکپارچه کردن بناهای تاریخی، معتقد به تکمیل یا ساخت بنایی فرسوده و یا ناتمام باقی‌مانده به صورت اولیه‌ی کالبدی آن بود.

2. CABE

3. Schittich

4. Carbonara

5. ICOMOS, Venice Charter

جان راسکین (۱۹۰۰- John Ruskin (۱۸۱۸)) حقوقدان انگلیسی که با روی آوردن به هنر، ابتدا به نقد فلسفه‌ی هنر پرداخت و سپس روی به فلسفه‌ی اجتماعی آورد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ۳۶) وی که از سردمداران «جنبش حفاظت» است بر عدم دخالت در بنای تاریخی باهدف طی کردن فرایند طبیعی فرسایش تأکید می‌کند و توسعه‌ی بنا را به صورت بخشی از یک فرایند پیوسته لازم می‌داند.

۷. حجت، مهدی. (۱۳۹۵). حضور و ظهور در شرح سکوت و نور. تهران: نشر علمی، ۵۰-۶۱.

۸. دیبا، داراب. (۱۳۷۸). مفهوم و اصول بنیادی ایران، مجله معماری فرهنگ، شماره ۱۵، ۱۷۳.

۹. راپاپورت، اموس. (۱۳۹۱). معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، (مترجم: فرح حبیب)، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۲۰-۴۵.

۱۰. رلف، ادوارد. (۱۳۸۹). مکان و بی‌مکانی. (مترجمان: محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری، زهیر متکی) تهران: انتشارات آرمان شهر، ۳۸-۵۶.

۱۱. طباطبایی، ملک. (۱۳۹۰). جداره‌های شهری و نقش آن‌ها در فضای شهری، معیارهای نماسازی در فضا شهری، تهران: انتشارات آرمان شهر.

۱۲. فروزنده، جوان، علی؛ مطلبی، قاسم. (۱۳۹۱). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. هویت شهر، ۲۷-۳۷.

۱۳. قره بگلو، مینو؛ نژاد ابراهیمی، احد؛ اردبیلی، ایلقار. (۱۳۹۸)، معماری میان‌افزا؛ رویکردی میان‌رشته‌ای برای طراحی در بافت تاریخی؛ نمونه موردی: مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز، ماهنامه باغ نظر، ۷۶، ۵۷-۶۸.

۱۴. قدیری، بهرام؛ آراسته، شیوا. (۱۳۸۵). ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۷۱-۸۷.

۱۵. گروتس، یورگ. (۱۳۸۳). زیبایی‌شناسی در معماری. (پاکزاد، جهان‌شاه، همایون، عبدالرضا، مترجم). چاپ پنجم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۲۰-۱۳۷.

۱۶. مسائلی، صدیقه. (۱۳۸۸). نقشه پنهان به مثابه دست آورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران. هنرهای زیبا، ۳۷، ۲۷-۳۸.

۱۷. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۷). شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، چاپ اول، اصفهان: انتشارات مانی، ۴۹-۶۶.

۱۸. هدمن، ریچارد، یازوسکی، آندرو (۱۳۸۴). مبانی طراحی شهری، (راضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان، مترجمان). تهران: دانشگاه علم و صنعت.

۱۹. یوکیلتو، یوکا. (۱۳۹۴). تاریخ حفاظت معماری. (محمدحسن طالبیان و خشایار بهادری، مترجم). تهران: روزنه.

6. ICOMOS, Resolutions of the symposium on the introduction of contemporary architecture into ancient groups of buildings
گوستاو جیووانونی (۱۹۴۷-۱۸۷۳) Gustavo Giovannoni از معماران و نظریه‌پردازان ایتالیایی که در آموزه‌ها و نوشته‌هایش، اصول حفاظت مدرن ایتالیا را تحکیم بخشید و ضمن تأکید بر دیدگاه علمی انتقادی، شالوده «مرمت علمی» را بنیان نهاد (یوکیلتو، ۱۳۹۴، ۲۴۳)

7. UNESCO, Recommendation concerning the safeguarding and contemporary role of historic areas

8. ICOMOS, Burra Charter, The Charter for Places of Cultural Significance

9. UNESCO, Vienna Momerandum on World heritage and contemporary architecture- managing the historic urban landscape

فهرست مراجع

۱. آیت‌الله زاده شیرازی، باقر. (۱۳۷۴). تجلیات عرفانی در هندسه معماری «گره بنایی». در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم - کرمان، جلد چهارم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۴۱-۴۸.

۲. پوراحمد، احمد؛ مشکینی، ابوالفضل؛ و حبیبی، کیومرث. (۱۳۸۶). بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری، تهران: انتخاب اول، ۵۰-۶۹.

۳. پورموسوی، سید موسی؛ ناصر مستوفی، انوشیروان؛ شکوهی بیدهندی، محمد صالح. (۱۳۹۳). شناسایی اصول و راهکارهای اجرایی توسعه میان‌افزا در شهر تهران به عنوان یکی از ابعاد توسعه شهری پایدار. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶ (۴)، ۳۷-۵۷.

۴. پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۷۸). آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین: غلامحسین معاریان، دانشگاه علم و صنعت ایران، اول، تهران، ۳۵۰-۳۹۴.

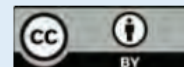
۵. توسلی، محمود؛ پارسلی، حمیدرضا. (۱۳۷۹). طراحی شهری خیابان کارگرفضای حدفاصل میدان انقلاب اسلامی تا میدان حر، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری، ۲۴-۴۰.

۶. حبیبی، سید محسن؛ مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۱). مرمت شهری، تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم.

21. Byard, P. S. (1998). *The architecture of additions: design and regulation*. WW Norton & Company, 137-149.
22. CABE. (2005). *Design coding: testing its use in England*. London: Commission for Architecture and the Built Environment.
23. Carbonara, G. (2009). *Some reflections from the Italian perspective on architectural restoration, in conserving the authentic: essays in honour of Jukka Jokilehto*, ICCROM Publishing, Rome.
24. Grimmer, A. E., Weeks, K. D. (2010). *New exterior additions to historic buildings: Preservation concerns*. National Park Service, US Department of the Interior, Technical Preservation Services, 125-146.
25. Guzmán-Torres, Z. (2009). *Historic buildings and contemporary additions: the elements of a cohesive design relationship*. Unpublished Master Thesis. University of Maryland. Maryland, 69-84.
26. Haughey, R. M. (2001). *Urban infill housing: Myth and fact*. Washington, D.C: Urban Land Institute, 138-139.
27. Farris, J. T. (2001). The Barriers to Using Urban Infill Development to Achieve Smart Growth. *Housing Policy Debate*, 12(1), 1-30.
28. Kavaratzis, M., Ashworth, G. J. (2006). City branding: An effective assertion of identity or a transitory marketing trick? *Place Branding*, 2(3), 183-194.
29. Latham, D. (2016). *Creative reuse of buildings: Volume one*, 120-146.
30. Lehmann, S. (2012). Sustainable Construction for Urban Infill Development Using Engineered Massive Wood Panel Systems. *Sustainability*, 4(12), 2707-2742.
31. Mısırlısoy, D. (2016). *Contemporary extensions and heritage buildings: A design methodology*. LAP LAMBERT Academic Publishing, 97-185.
32. Mornement, A. (2007). *Extensions*, Laurence King Publishing, London, 222-239.
33. Orbasli, A. (2008). *Architectural Conservation*, Blackwell Publishing, London, 15-85.
34. Powell, K., (1999). *Architecture reborn: the conversion and reconstruction of old buildings*. London: Laurence King.
35. Riza, M., & Doratlı, N. (2011). *A review on the design of new buildings in historic settings: Harmonious integration*. Verlag Dr Müller, 52-59.
36. Schittich, C. (Ed.). (2003). *Building in Existing Fabric: Refurbishment, Extensions, and New Design*. Birkhauser.
37. Stewen, S.W. (2009). *Differentiated and compatible*. Online available from: <http://www.traditionalbuilding.com>, 126-140.
38. Worthington, J. (1998). *Conservation through development*. University of York: Architectural Press, 168-184.
39. Yüceer, H., & İpekoğlu, B. (2012). An architectural assessment method for new exterior additions to historic buildings, *Journal of Cultural Heritage*, 13 (4), 419-425.
40. Archail (2019) Retrieved March, 2019, from <http://www.archdaily.com/775601/ad-classics-new-german-parliament-reichstag-foster-plus-partners>
41. Mojnews (2018). Retrieved October, 2018, from <http://www.mojnews.com>

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



Recreating Concepts in the Architecture of Historical Bodies in the Construction of Interstate Buildings in the Historical Context of Metropolis Iran (Case Study: Tehran, Isfahan, Shiraz Cities)

Peyman Bahramifar, Ph.D. Candidate, Department of Art and Architecture, UAE Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE

Vahid Ghobadian, Professors, Department of Art and Architecture, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Mahnaz Mahmoodi, Professor, Department of Art and Architecture, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The monuments of each land are the cultural identity card of the land. In the meantime, urban textures and bodies have emerged as a result of particular circumstances, undergoing changes in various periods of history to become present, and thus becoming unique and unrepeatable entities and entities. In our country, this unparalleled, in the contemporary era, due to various factors, has undergone metamorphosis and collapse. It has taken place in a disruptive, unregulated tether, and has completely transformed the image of many of our historic cities. New buildings, in the historical context, before being merely an architectural monument, are introduced as part of the city that must adhere to particular rules and regulations to maintain consistency with historical sections. Extensive research on the topic of the body in a historical context indicates the importance of this topic among other issues related to architecture and urban planning. Moreover, learning the implications of semantic values embedded in past architecture and utilizing them in contemporary patterns. How Iranians have been thinking of old buildings and bodies for a century and a half now, because of their historical value, and the use of its components, and from what perspectives they organized it, is a fascinating and fascinating subject. And it's a secret. In this regard, the present study aims at explaining the concept of the body as a visually and conceptually communicative space, which is often a criterion for recognizing the value and identity of cities' architecture, and with the help of this framework, it is possible to identify dimensions and angles. And hidden values and their role in the design of the body architectures of old areas, and by exploiting and preserving these patterns and upgrading existing values in the historical context, one can recreate discolored semantic values in interstitial buildings and with identity. Its appearance harmonized. The purpose of this research is to investigate the design framework of interstate buildings in the historical context and how it is constructed. Therefore, data were collected and analyzed using the descriptive-analytical method to achieve research goals. The results show that historical bodies with multiple semantic values in different layers were objectively perceptible (concepts in the body) and subjective (concepts in the human mind) in the context of historical bodies. The proposed model of this research, after analyzing and evaluating the indicators in the metropolitan areas of central Iran (Tehran, Isfahan, Shiraz), reveals the strategies that their architects used in the process of creating the work. According to the results obtained from this research in the field of semantic concepts embedded in the historical contextualization and prioritization of the different value levels of those concepts, more criteria can be used to qualify the construction of interstate buildings in the body. Designed and formulated historical texts. From the author's point of view, the priorities of the semantic values that can be easily reproduced in interstate buildings include connectivity/cohesion, rhythm, the order of flexibility, identity, harmony, and other values obtained in subsequent priorities. They can be represented.

Keywords: Historical context, Historical bodies, Interstate buildings, Meaning, Iranian metropolis.

* Corresponding Author Email: Vah.Qobadiyan@iauctb.ac.ir